

بررسی تطبیقی آثار اجرای جزئی تعهدات قراردادی با کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ۱۹۸۰ و اصول مصوب
مؤسسه یکپارچه سازی حقوق خصوصی (۲۰۱۰ و ۲۰۱۶)

مهدی صیادیان، دانشجوی دکترای حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.
sam.sung904@yahoo.com

وحید قاسمی عهد (نویسنده مسئول)، استادیار، گروه حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، واحد اراک، دانشگاه آزاد

اسلامی، اراک، ایران. V.ghassemi@gmail.com

حسین جاور، دانشیار، گروه حقوق خصوصی، دانشکده فارابی، دانشگاه تهران، قم، ایران. Hjavvar@ut.ac.ir

سید فرهاد بطحائی، استادیار، گروه حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران. f-

bathae@iau-arak.ac.ir

قابل انتشار در دوره ۲۵، شماره ۶۸ (زمستان ۱۴۰۵) نشریه پژوهش‌های حقوقی

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی شرایط و آثار تعهدات نیمه‌اجرا شده در حقوق داخلی و دو سند بین‌المللی (کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی) می‌پردازد. ممکن است تعهد به‌صورت نیمه‌اجرا رها شود، جزئی از آن انجام شود، یا اساساً شرایط برای ادامه اجرای آن فراهم نباشد. در این موارد، اگر اجرای جزئی پذیرفته نشود، متعهد همچنان ملزم به اجرای کامل تعهد است. اما اگر پذیرش اجرای جزئی ممکن باشد، باید مشخص شود که تحت چه شرایطی چنین عملکردی باعث برائت ذمه متعهد می‌شود. این بررسی با توجه به ماهیت تعهد (تجزیه‌پذیری یا عدم تجزیه‌پذیری)، اراده طرفین، و نقش متعهد و متعهدله انجام شده است. همچنین، آثار ناشی از اجرای ناقص تعهد در ارتباط با موضوعاتی مانند انتقال مال، پرداخت وجه، یا انجام یا ترک فعل بررسی شده است. این تحقیق به روش کتابخانه‌ای و تطبیقی انجام شده و مواد کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که پذیرش یا رد اجرای جزئی به ماهیت تعهد، توافق طرفین، و شرایط قرارداد بستگی دارد. در برخی موارد، اجرای جزئی می‌تواند به‌عنوان بخشی از تعهد پذیرفته شود و ذمه متعهد به همان میزان بری گردد. این پژوهش تلاش دارد با تبیین دقیق این شرایط، راهکاری برای استفاده در رویه قضایی موجود ارائه دهد. این پژوهش به‌عنوان یک تحقیق بنیادین تطبیقی به روش کتابخانه‌ای - اسنادی انجام شده که هدف از آن تبیین وضعیت آثار «تعهدات نیمه‌اجرا شده» در حقوق داخلی با دو سند بین‌المللی مذکور است.

کلید واژگان:

اجرای جزئی، کنوانسیون بیع، اصول مصوب مؤسسه یکپارچه سازی حقوق خصوصی، تعهدات تجزیه‌پذیر، تعهدات غیرقابل تجزیه

در اجرای کامل یک قرارداد، متعهد باید دقیقاً همان کیفیت و کمیتی را که تعهد کرده است، با رعایت تمام جزئیات، اوصاف، لوازم عرفی و قانونی آن، اجرا کند که این به معنای انطباق دقیق موضوع اجرای تعهد با موضوع تعهد است. ماده ۲۲۵ قانون مدنی در رابطه با جایگاه عرف در توافقات مقرر می‌دارد: «متعارف بودن امری در عرف و عادت به طوری که عقد بدون تصریح هم منصرف به آن باشد، به منزله ذکر در عقد است.» بنابراین، باید همه آنچه که به موجب لفظ صریح طرفین در عقد، عرف جاری، یا قانون مورد توافق طرفین قرار گرفته است به صورت کامل اجرا شود.

در حقوق داخلی کشور ما، کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی اروپا، اصل لزوم قراردادها پذیرفته شده است و در راستای اجرای کامل تعهدات، باید به مفاد توافق انجام‌شده و عرف و رویه جاری که بیانگر قصد طرفین است، عمل شود. در صورتی می‌توان تعهد را انجام‌شده تلقی نمود که به قیود و اوصاف مورد توافق عمل شود؛ اما گاه عمل انجام‌شده به جهت عدم انطباق مادی و حقوقی با آنچه که توافق شده است، اجرای تعهد تلقی نمی‌گردد و ذمه متعهد همچنان مشغول است. از این رو می‌توان گفت یا اساساً عمل انجام‌شده، ایفای عهد تلقی نمی‌گردد، یا اینکه بخشی از آن محاسبه می‌گردد که در این صورت با یک تعهد اجراشده به صورت ناقص یا جزئی مواجه خواهیم بود.

اگر بخش اجرا شده از تعهد را به عنوان جزئی از تعهد بپذیریم، در حقیقت ذمه متعهد به همان میزان فارغ شده و متعهدله بابت مابقی تعهد می‌تواند الزام به اجرای تعهد یا سایر ضمانت‌اجراهای در اختیار خود را به کار ببندد و اگر قائل به این باشیم که بخش اجرا شده نمی‌تواند به عنوان جزئی از تعهد اجرا شده تلقی گردد، یقیناً متعهد همچنان مسئول به اجرای تعهد است. اینکه آیا تعهد نیمه‌اجرا شده، اساساً می‌تواند به عنوان بخشی از تعهد مورد پذیرش قرار گیرد یا خیر، از اهداف این پژوهش است که برای تبیین بهتر موضوع با مقایسه این مسأله در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و اصول مصوب مؤسسه یکپارچه سازی حقوق خصوصی سعی بر آن داریم که به صورت تطبیقی، آثار چنین تعهداتی را بررسی نماییم.

بر همین اساس، ذیل سه عنوان کلی، آثار تعهد نیمه اجرا شده را ابتدا از حیث ماهیت تعهد و اراده طرفین و سپس از لحاظ اطراف تعهد و نهایتاً به اعتبار موضوع تعهد مورد مطالعه قرار خواهیم داد.

۱- به اعتبار ماهیت تعهد و اراده طرفین

اینکه تعهدی به صورت نیمه اجرا شود و این بخش اجرا شده مورد پذیرش یا رد واقع شود، باید از حیث ماهیت تعهد مورد بررسی قرار گیرد که اگر تعهد موضوع قرارداد از نوع تجزیه‌پذیر یا تجزیه‌ناپذیر باشد، در صورت اجرای آن به صورت جزئی و نیمه، چه آثاری دارد؟ بنابراین، اثر آن را به ترتیب نسبت به تعهداتی که ماهیتاً تجزیه‌پذیر هستند و تعهداتی که ماهیتاً تجزیه‌ناپذیر هستند، بررسی خواهیم کرد.

۱-۱- تعهدات تجزیه‌پذیر

تعهدی را که در مقام اجرا، قابلیت تقسیم و ایفای جزئی داشته باشد، تعهد تجزیه‌پذیر گویند. در برخی قراردادها، هر بخش از تعهد به طور مستقل قابل اجرا بوده و نقص در یک بخش لزوماً باعث نقض کل قرارداد نمی‌شود. به عنوان مثال، در یک قرارداد فروش چندمرحله‌ای، هر مرحله از تحویل کالا به صورت جداگانه ارزیابی شده و فروشنده می‌تواند برای بخش‌های انجام‌شده، حق دریافت پرداخت داشته باشد.^۱ «موضوع تعهد» از چند منظر می‌تواند سبب تفکیک شدن «تعهد» به تجزیه‌پذیر و تجزیه‌ناپذیر شود؛ ممکن است «موضوع تعهد» قابلیت تجزیه‌پذیری را داشته باشد به گونه‌ای که ماهیت موضوع تعهد به گونه‌ای باشد که اجزاء آن، قابلیت جداسازی داشته باشد، مانند تعهد به تحویل هزار کیلوگرم سیب به متعهدله که این موضوع تعهد، قابل تفکیک و ایفای جزئی است. بالعکس، ممکن است ماهیت موضوع تعهد به گونه‌ای باشد که در مقام ایفاء، قابلیت تفکیک به اجزاء متعدد را نداشته باشد؛ مانند تعهد تحویل یک حیوان به متعهدله (تجزیه‌پذیری مادی). از طرفی دیگر، ممکن است «موضوع تعهد» به گونه‌ای باشد که حق مربوط به موضوع تعهد، قابلیت تفکیک و تعدد داشته باشد. مانند موردی که موضوع تعهد، «انتقال مالکیت ملک» باشد و این حق مالکیت قابلیت تقسیم و تفکیک میان چندین شخص داشته باشد. مثل اینکه جزئی از مالکیت به یک فرد و جزئی دیگر به فردی دیگر انتقال یابد و با انجام هر انتقال، بخشی از تعهد ساقط گردد که به آن تجزیه‌پذیری معنوی^۲ می‌گویند.^۳

در رابطه با تعهدات تجزیه‌پذیر باید اضافه کرد که حاکمیت اراده می‌تواند تعهدی را که بر اساس ماهیت موضوع تعهد، غیرقابل تجزیه است، به صورت تعهد تجزیه‌پذیر در رابطه‌ی فی‌مابین تلفی کند؛ همچنین است در فرضی که متعهدله خود، رضایت بر پذیرش قسمتی از تعهد اجراشده را کند.

در حقوق ایران، تعهدات تجزیه‌پذیر ذیل عنوان «انحلال عقد واحد به عقود متعدد» مطرح شده است. به نحوی که اگر تعهدی میان دو نفر به صورت غیرقابل تجزیه توافق گردد، این عقد غیرقابل انحلال به عقود متعدده می‌باشد؛ مانند تعهد به تسلیم یک اسب در مقابل تسلیم 100 کیلوگرم گندم. حال اگر طرفین عقد متعدد یا موضوع تعهد قابل تجزیه باشد و هر جزء از آن را بتوان مستقلاً تقویم کرده و در مقابل اجزاء ثمن قرار داد، در حقیقت عقد به عقود متعدده ممکن است منحل شود؛ مانند آنکه عوضین ۲۰۰ کیلوگرم برنج در مقابل 100 کیلوگرم گندم باشد و در زمان اجرای تعهد، 150 کیلوگرم برنج تسلیم شود.^۴

در کنوانسیون بیع بین‌المللی، میان اینکه موضوع تعهد تجزیه‌پذیر باشد یا تجزیه‌ناپذیر باشد و اینکه قرارداد اقساطی یا نقد باشد، تفاوت وجود دارد؛ که می‌توان این گونه استنباط کرد که کنوانسیون تجزیه تعهد را پذیرفته است.

¹ Frederic C. Woodward, "The Doctrine of Divisible Contracts," *The American Law Register* (1898-1907) 48, no. 1 (1900): 1-17, <https://doi.org/10.2307/3306759>.

² Division matenelle

^۳ عبدالرزاق احمد سنهوری، دوره حقوق تعهدات: اوصاف تعهد، شرط، اجل، تعدد، جلد سوم، چاپ دوم، ترجمه سید مهدی دادمززی و محمدحسین دانش کیا (قم: انتشارات دانشگاه قم، ۱۳۸۸)، ۳۶۳.

^۴ حسن امامی، حقوق مدنی، جلد اول، چاپ بیست و هشتم (تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۸۷)، ۳۳۰.

مستنبط از مواد ۵۱ و ۷۳ کنوانسیون بیع بین‌المللی^۵، مقرر شده که متعهدله حق فسخ نسبت به قسمت نقض شده را دارد و با این مقرر، مشخص است که کنوانسیون تجزیه‌پذیر بودن را پذیرفته است؛ بدین شرح که اگر نقض تعهد مربوط به بخشی از تعهدات موضوع قرارداد باشد و این نقض به گونه‌ای نباشد که کل تعهد قرارداد را با نقض اساسی مواجه کند، ذینفع تعهد می‌تواند قرارداد را نسبت به همان قسمت نقض شده، فسخ کند و بخش نقض نشده را همچنان پذیرا باشد^۶.

در اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی نیز باید قائل به تصور اجرای جزئی موضوع تعهد بود؛ بدین شرح که اگر موضوع تعهد قابلیت تجزیه را داشته باشد و ذینفع اجرای جزئی را بپذیرد، متعهد می‌تواند به عهد خود به صورت جزئی وفا کند و بخش اجرا شده در حقیقت، از اصل تعهد کاسته می‌شود.

البته اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی 2010 و ۲۰۱۶ به صراحت در مواد ۲-۱-۲ و ۳-۱-۳ در خصوص اجرای جزئی تعهد و اجرای یکجای تعهد یا اجرای تعهد به صورت اقساط، مواردی را مقرر داشته است. با این توضیح که اجرای تعهد به صورت یکجا یا اجرای تعهد به صورت نوبه‌ای و اقساط، متفاوت از اجرای تعهد به صورت جزئی است و این تفاوت نیز در دو ماده مذکور بیان شده است. به نحوی که ماده ۲-۱-۳ مقرر می‌دارد: «در موارد مشمول بندهای ب و ج ماده ۱-۱-۶، هر طرف باید تعهداتش را در زمانی واحد اجرا کند به این شرط که اجرای تعهداتش در آن زمان واحد ممکن باشد و اوضاع و احوال نیز برخلاف آن دلالت نکند.» این ماده موردی را فرض می‌کند که نحوه اجرای تعهد از قبل تعیین نشده باشد که به موجب این ماده، اصل بر اجرای تعهد در زمان واحد است.

با این وجود، ماده ۳-۱-۳ مقرر می‌دارد -1-: «ذینفع می‌تواند هنگامی که زمان انجام تعهد فرا رسد، پیشنهاد اجرای جزئی تعهد را رد کند، چه این پیشنهاد با تضمین انجام باقیمانده تعهد همراه باشد، چه نباشد؛ مگر اینکه ذینفع تعهد هیچ نفع مشروعی در رد پیشنهاد مزبور نداشته باشد...» این مقرر، متفاوت از ماده پیشین است و در خصوص مواردی است که متعهد ملزم به اجرای تعهد به صورت کامل است، اما در زمان اجرای تعهد، صرفاً بخشی از آن را می‌تواند اجرا کند، مانند آنکه متعهد باید مبلغ مشخصی را به متعهدله پرداخت کند، اما در زمان پرداخت، صرفاً بخشی از آن را تأمین کند و پیشنهاد کند که مابقی را مدتی بعد و با تأخیر پرداخت می‌کند؛ که اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی اروپا در خصوص این اجرای جزئی اعلام نموده که:

^۵ ماده ۵۱ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا: «۱- در صورتی که با بایع تنها قسمتی از کالا را تسلیم کند یا تنها قسمتی از کالای تسلیم شده مطابق قرارداد باشد، مواد ۴۶ تا ۵۰ نسبت به بخشی که تسلیم نشده یا مطابق با قرارداد نیست، اعمال خواهد شد. ۲- مشتری فقط در صورتی حق اعلام بطلان کل قرارداد را دارد که قصور در تسلیم همه کالا یا قصور در تسلیم کالای منطبق با قرارداد، نقض اساسی محسوب گردد.» ماده ۷۳ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا: «۱- در مورد قرارداد تسلیم کالا به نحو اقساط [به دفعات] چنانچه قصور یکی از طرفین نسبت به اجرای هر قسط، متضمن نقض اساسی قرارداد در رابطه با آن قسط باشد، طرف دیگر در رابطه با آن قسط، اختیار اعلام بطلان دارد.

۲- چنانچه قصور یکی از طرفین در اجرای تعهدات نسبت به هریک از اقساط، دلایل قانع کننده ای در اختیار طرف دیگر قرار دهد که نسبت به اقساط آتی نیز نقض اساسی قرار دهد صورت خواهد گرفت، طرف اخیر حق دارد قرارداد را نسبت به آینده باطل اعلام کند، مشروط بر اینکه ظرف مدت متعارفی اقدام به چنین امری کند. ۳- در موردی که مشتری در رابطه با هریک از دفعات تسلیم، اعلام بطلان می‌کند، می‌تواند همزمان با چنین اعلام بطلانی نسبت به فقرات انجام قبلی یا فقرات آتی نیز اعلام بطلان کند، مشروط بر این که به علت وابستگی متقابل [آحاد] کالا نتوان از آنچه تسلیم شده یا می‌شود در مقاصد مورد نظر طرفین هنگام انعقاد قرارداد استفاده کرد»

^۶ اکبر میرزائزاد جویباری، «فسخ جزئی یا تجزیه قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (۱۹۸۰-وین) و حقوق ایران»، مجله حقوقی بین‌المللی، ۲۰، ۲۹،

اولاً اصل بر این است که تعهد به صورت کامل اجرا شود.

ثانیاً اگر امکان اجرای کامل تعهد در سر رسید وجود ندارد، متعهد می‌تواند پیشنهاد اجرای جزئی را ارائه کند.

ثالثاً متعهدله حق دارد به موضوع تعهد دست یابد پس به تبع این حق، می‌تواند پیشنهاد متعهد مبنی بر اجرای جزئی تعهد را نپذیرد.

رابعاً اگر متعهدله بخواهد پیشنهاد اجرای جزئی تعهد را رد کند، باید این امتناع او مستند به یک منفعت مشروع باشد. که مشخص کند نپذیرفتن پیشنهاد متعهد، به علت وقوع یک خسارت یا از دست دادن یک منفعت است. که درحقیقت هدف از این قید، تلاش برای تحقق حسن نیت متعهدله در رد کردن پیشنهاد متعهد می‌باشد.

بنابراین، به موجب اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی اروپا ۲۰۱۰ و ۲۰۱۶ و وجود شرایطی، امکان اجرای جزئی تعهد را در نظر داشته و در صورتی که تعهد بدین شکل اجرا شود، آثاری را بر آن نیز مترتب کرده است که اولین و مهمترین آثار، حفظ قرارداد و برائت ذمه متعهد نسبت به بخش اجرا شده می‌باشد و البته ممکن است مطابق قسمت اخیر بند یک از ماده مذکور^۷ تضمیناتی هم برای اجرای بخش باقیمانده تعهد در نظر گرفته شود.

از دیگر آثاری که بر این اجرای نیمه مترتب می‌گردد، تحمل هزینه‌های این روش از اجرا می‌باشد که در بند دوم از ماده ۳-۱-۶ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی بر عهده متعهد فرض شده است و مقرر گردیده که: «۲- هزینه‌های اضافی که ذینفع تعهد به سبب اجرای جزئی متحمل شده است، قطع نظر از هر روش جبران دیگر، بر عهده متعهد خواهد بود.» چرا که اگر متعهدله بپذیرد موضوع تعهد به صورت جزئی اجرا شود، ممکن است این اجرای جزء به جزء هزینه‌های اضافه را برای او به همراه داشته باشد که در بند دوم از ماده مذکور، این هزینه‌ها بر عهده متعهد تصور شده است. زیرا این هزینه‌های اضافی در حقیقت خسارتی هست که به واسطه اجرای جزئی تعهد به متعهدله وارد می‌شود و اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، به منظور جلوگیری از ورود خسارت به متعهدله، جبران آن خسارت را به عنوان پرداخت هزینه‌های اضافی بر عهده متعهدی قرار داده است که نتوانسته تعهد را به صورت یکجا انجام دهد.^۸

در یکی از پرونده‌های مهم بین‌المللی، دادگاه کاساسیون فرانسه^۹ در تاریخ ۲۷ می ۲۰۱۴ به بررسی اختلافی درباره تفسیر مفاد قراردادی در یک دعوی تجاری پرداخت. این پرونده، مربوط به اختلاف میان دو شرکت بین‌المللی بر سر فروش سنگ‌های گرانیت بود. در این پرونده، اختلاف میان دو طرف در خصوص میزان سنگ‌های گرانیت مورد معامله بود. یکی از طرفین ادعا می‌کرد که قرارداد فروش میان آن‌ها شکل نگرفته است، زیرا پاسخ طرف مقابل به پیشنهاد اولیه، از نظر مقدار کالا با آنچه که پیشنهاد شده بود، تفاوت داشت. این مسئله بر اساس ماده ۱۹(۳) کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا بررسی شد. این ماده بیان می‌کند که هرگونه تغییر در مواردی مانند قیمت، نحوه پرداخت، کیفیت و کمیت کالا، محل و زمان تحویل و میزان مسئولیت طرفین می‌تواند شرایط پیشنهاد را به طور اساسی تغییر دهد. به عبارت دیگر، اگر پاسخ به یک پیشنهاد شامل تغییراتی اساسی باشد، آن پاسخ در واقع یک پیشنهاد جدید محسوب می‌شود، نه پذیرش پیشنهاد اصلی. دادگاه استیناف «رن» در سال ۲۰۱۲ حکم داده بود که قرارداد فروش میان طرفین به درستی شکل گرفته است. باین حال، طرف معترض استدلال می‌کرد که پذیرش طرف مقابل به دلیل تفاوت در مقدار کالا نباید به عنوان پذیرش واقعی تلقی شود.

^۷ ماده ۳-۱-۶ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی: «... چه این پیشنهاد با تضمین انجام باقیمانده تعهد همراه باشد، چه نباشد...»

^۸ بهروز اخلاقی، فرهاد امام، اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۶)، ۲۳۷.

^۹ Court of Cassation

بلکه یک پیشنهاد جدید بوده است و بنابراین قرارداد شکل نگرفته است. این استدلال مبتنی بر ماده ۱۹ (۳) کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا بود که به تغییرات اساسی در قرارداد اشاره دارد.^{۱۰}

دادگاه کاساسیون فرانسه پس از بررسی شواهد و استدلال‌های ارائه‌شده، با تصمیم دادگاه استیناف موافقت کرد. این دادگاه اعلام کرد که در این پرونده، شواهد کافی ارائه شده که نشان می‌دهد تغییر در میزان کالا تأثیری اساسی بر شرایط قرارداد نداشته و در نتیجه، قرارداد معتبر است. در نتیجه، دادگاه کاساسیون تأیید کرد که فرض مندرج در ماده ۱۹ (۳) یک فرض قابل سلب است، به این معنا که اگر مدارک و شواهد کافی وجود داشته باشد، می‌توان نشان داد که تغییرات ایجادشده در قرارداد، مانع از تشکیل آن نشده‌اند.

این پرونده نشان می‌دهد که در قراردادهای تجاری بین‌المللی، تغییرات جزئی در مفاد قرارداد، مانند میزان کالا یا نحوه پرداخت، همیشه به معنی تغییر اساسی در پیشنهاد نیست و در برخی شرایط، قرارداد همچنان معتبر تلقی می‌شود. این مسئله در تعهدات مربوط به پرداخت وجه نیز اهمیت دارد. همان‌طور که در بحث تعهدات پولی اشاره شد، بسته به ماهیت قرارداد، ممکن است پرداخت بخشی از مبلغ معامله مورد قبول باشد یا نباشد. اگر هدف از پرداخت، انتقال مال باشد، پرداخت جزئی می‌تواند بخشی از تعهد را ایفا کند. اما اگر هدف تأمین ارزش واقعی وجه پرداختی باشد، ممکن است اجرای ناقص تعهد به‌عنوان عدم انجام تعهد تلقی شود. با توجه به این پرونده، مشخص می‌شود که در تفسیر تعهدات قراردادی، زمینه و شرایط معامله نقش مهمی دارند. این تصمیم دادگاه کاساسیون نشان می‌دهد که در برخی موارد، حتی در صورت وجود تغییر در شرایط اصلی قرارداد، اگر طرفین به‌طور ضمنی یا صریح آن را پذیرفته باشند، قرارداد همچنان معتبر خواهد بود.

۱-۲- تعهدات غیرقابل تجزیه

تعهدی که در مقام اجرا، قابلیت تقسیم و ایفای جزئی را نداشته باشد، تعهد تجزیه‌ناپذیر^{۱۱} نامیده می‌شود^{۱۲} و متعهد جهت بری‌الذمه شدن، باید تماماً و به‌صورت کامل، موضوع تعهد را اجرا کند و ایفای جزئی از تعهد، تأثیری در رفع اشتغال ذمه مدیون ندارد.

تجزیه‌ناپذیری تعهد ممکن است به واسطه ماهیت موضوع تعهد باشد و یا به جهت حاکمیت اراده طرفین^{۱۳}؛ به نحوی که یا موضوع تعهد اساساً قابلیت تجزیه را ندارد و اراده طرفین تعهد هم بر همین امر بوده است و یا اینکه موضوع تعهد قابلیت تجزیه را دارد اما اراده طرفین مانع از این تجزیه شده است. فی الواقع طرفین می‌توانند در مواجهه با موضوعی قابل تجزیه، آن را در مقام اجرای تعهد تجزیه‌ناپذیر تلقی کنند به شکلی که تعهد زمانی اجرا شده محسوب می‌گردد که تمام موضوع تعهد به‌صورت یکجا و یکباره انجام شود. بنابراین برای تشخیص تعهدات تجزیه‌ناپذیر باید دو مولفه ماهیت و طبیعت موضوع تعهد و دیگری مفاد قصد مشترک طرفین تعهد را در نظر داشت^{۱۴}.

^{۱۰} French Court of Cassation, Commercial Chamber, *Société X... v. Société LGDG*, case no. 12-27188, May 27, 2014, <https://www.cisg.fr/>.

^{۱۱} Indivisible obligation

^{۱۲} Bryan A. Garner, *Black's Law Dictionary*, 8th ed. (St. Paul, MN: West Publishing Co., 2004), 1105.

^{۱۳} محمد جعفر جعفری لنگرودی، مبسوط در ترمینولوژی حقوق (تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۶)، ۱۳۳۸.

^{۱۴} ناصر کاتوزیان، نظریه عمومی تعهدات (تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۹)، ۱۸۰.

در تعهد تجزیه‌ناپذیر طبیعی، نسبت به هیچ بخشی از موضوع تعهد، امکان تجزیه وجود ندارد. در واقع آنچه که از نظر ماهیت و جنس طبیعی خود، تجزیه‌ناپذیر تلقی شود، از حیث قراردادی هم تجزیه‌ناپذیر است اگرچه نحوه اجرا در قرارداد به صورت اقساط توافق شده باشد.^{۱۵}

در مواردی که تعهد به موجب اراده مشترک طرفین، تجزیه‌ناپذیر تلقی می‌شود، در حقیقت، تجزیه‌ناپذیری تعهد به صورت ذاتی نمی‌باشد و حسب اراده طرفین، اعم از آنکه ذاتاً تجزیه‌ناپذیر باشد یا نباشد؛ این تجزیه‌ناپذیری به صورت نسبی ایجاد می‌شود.

گاه مقنن بنا بر شرایطی از قبیل حمایت از یک نوع تجارت یا معاهده، ممکن است، تعهدی را غیرقابل تجزیه در نظر بگیرد. مانند تعهد موضوع ماده ۴۱۲ قانون مدنی که مقرر می‌دارد: «هرگاه مشتری بعضی از مبیع را دیده و بعضی دیگر را به وصفی از روی نمونه خریده باشد و آن بعضی مطابق وصف یا نمونه نباشد، می‌تواند تمام مبیع را رد کند یا تمام آن را قبول کند.» در این فرض، قانونگذار به حمایت از خریدار، موضوع تعهد را تجزیه‌ناپذیر تلقی کرده است.

بنا بر این، تعهد تجزیه‌ناپذیر، آن نوع از تعهد است که هیچ بخشی از آن به موجب اراده طرفین، طبیعت تعهد یا حکم قانونگذار، قابل تفکیک از یکدیگر نباشد.^{۱۶} و تعهد موضوع قرارداد دارای اجرا متعدد نمی‌باشد و در مقابل جزئی از ثمن قرار نمی‌گیرد؛ لذا در این قبیل موارد، قاعده انحلال عقد واحد به عقود متعدد را جاری نمی‌شود. در مواجهه با این نوع تعهدات، متعهد ملزم به اجرای کامل تعهد می‌باشد و اجرای تعهد به صورت نیمه و جزئی موجب برائت ذمه متعهد به آن میزان نمی‌باشد. در مقابل متعهدله نیز نمی‌تواند به این استناد، مستقیماً تقاضای فسخ قرارداد کند و ابتدا باید الزام به اجرای تعهد را بخواهد و در صورتی که امکان اجبار اجرای تعهد توسط متعهد، دیگران یا خود او ممکن نباشد، اقدام به فسخ قرارداد کند.

در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا اصل بر تجزیه‌پذیر بودن تعهدات است، اما در خصوص تعهداتی که به صورت تجزیه‌ناپذیر و بسیط باشند، نقض بخشی از تعهد، نقض اساسی کل قرارداد تلقی می‌شود و متعهدله حق فسخ قرارداد را دارد. در این رابطه ماده ۶۴ کنوانسیون در مورد نقض عهد توسط مشتری می‌گوید: «در صورتی که عدم ایفای هر یک از تعهدات مشتری به موجب قرارداد یا این کنوانسیون، نقض اساسی قرارداد محسوب شود» بایع می‌تواند قرارداد را باطل اعلام کند و مشابه همین مقرر را در ماده ۴۹ کنوانسیون برای مشتری که بایع نقض اساسی تعهد کرده باشد، وضع کرده است. در واقع فسخ قرارداد در مواد مذکور، از آثار مهم نقض اساسی است که متعهد ایجاد کرده است.^{۱۷}

در اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی ۲۰۱۰ و ۲۰۱۶ به موجب ماده ۱-۱-۷ اصل بر عدم قابلیت پذیرش اجرای جزئی تعهدات است و متعهد باید تمامی تعهد را به صورت یکجا و مطابق با توافق از پیش صورت گرفته اجرا کند.^{۱۸} چرا که اگر تعهد در شرایطی متفاوت از آنچه که توافق شده، اجرا شود، اعم از اینکه با تأخیر اجرا شده باشد یا به صورت ناقص، به عنوان تعهد اجرا نشده محسوب می‌گردد. مانند آنکه یک شرکت سازنده خودرو، تعهد به تحویل یک خودروی خاص با امکانات مخصوص نموده باشد و در زمان تحویل خودروها، هیچ کدام از

^{۱۵} کاتوزیان، نظریه عمومی تعهدات، ۱۷۸.

^{۱۶} محمد جعفر جعفری لنگرودی، حقوق تعهدات، چاپ چهارم (تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۹)، ۲۶۵.

^{۱۷} بیانکا، چاره ماسیمو و دیگران. تفسیری بر حقوق بیع بین‌المللی کنوانسیون ۱۹۸۰ وین، ترجمه مهراب داراب پور (تهران: انتشارات گنج دانش، ۲۰۵، ۱۳۹۵).

^{۱۸} ماده ۳-۶-۱ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی: «۱- ذینفع تعهد می‌تواند هنگامی که زمان اجرای تعهد فرا رسیده، پیشنهاد اجرای جزئی تعهد را رد کند...»

امکانات مورد نظر تعبیه نشده باشد، که در این صورت اگرچه خودروها را تحویل خریدار داده، اما به جهت عیب یا نقص مذکور، درحقیقت به تعهدات خود عمل نکرده است. ماده ۱-۱-۷ در این خصوص مقرر می‌دارد: «عدم اجرای تعهد عبارت است از کوتاهی یک طرف در اجرای هریک از تعهدات قراردادی اش که شامل اجرای معیوب و ناقص یا همراه با تأخیر نیز می‌شود». حال در فرضی که تعهد، غیرقابل تجزیه باشد، در صورتی که متعهد تعهد را به صورت جزئی و نیمه بخواهد اجرا کند، از منظر اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی باید گفت که تعهد اجرا نشده محسوب می‌گردد. مانند آنکه تعهد به تحویل یک تخته فرش دستباف داشته باشد، اما در زمان اجرای تعهد فرش مورد توافق را درحالی‌که نیمه تمام است، بخواهد تحویل کند؛ در این شرایط ماده ۵-۱-۷ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی این امکان را به متعهد می‌دهد که مهلتی اضافه به متعهد اعطا کند تا بتواند به تعهد خود عمل کند.^{۱۹} البته اعمال ماده مذکور برای مواردی است که متعهد در اجرای تعهد خود تأخیر کند در غیر این صورت، اگر پس از اتمام مهلت اعطا شده، تعهد به طور کامل انجام نشود، یا اینکه اساساً کوتاهی متعهد در اجرای تعهد، معادل با عدم اجرای اساسی تعهد باشد، متعهدله مستند به ماده ۱-۳-۷ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، اختیار خاتمه دادن به قرارداد را دارد.^{۲۰}

۲- به اعتبار اطراف تعهد

اجرای نیمه و جزئی تعهد در صورتی که اطراف آن واحد باشند، یعنی متعهد یک نفر و متعهدله هم یک نفر باشد و در حالتی که هریک از این دو جایگاه دو یا چند نفر باشند، باید مورد بررسی قرار گیرد و مشخص شود که این نوع از اجرا در هریک از شرایط وحدت طرفین، یا تعدد متعهد یا تعدد متعهدله چه آثاری دارد. بنابراین سه حالت را به ترتیب وحدت متعهد و متعهدله، تعدد متعهد و تعدد متعهدله را در راستای بررسی اجرای جزئی و نیمه تعهدات مورد بررسی قرار خواهیم داد. شایان ذکر است که در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی صراحت یا فرضی مبنی بر تعدد اطراف طرفین قرارداد پیش بینی نشده است و از این حیث، مطابق بند ۲ از ماده ۷ کنوانسیون و بند ۴ از ماده ۱ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، قوانین بین‌الملل خصوصی نیز در این دو سند تجاری معتبر می‌باشد.

۲-۱- وحدت متعهد و متعهدله

اینکه تعهد قابلیت امکان اجرا به صورت جزئی و نیمه را داشته باشد یا خیر، اساساً به دو مولفه وابسته است؛ یکی ذات موضوع تعهد که قابلیت آن را داشته باشد و دیگری توافق و اراده طرفین تعهد است. پس اگر موضوع تعهد قابلیت اجرا شدن به صورت نیمه و یا جزئی را داشته باشد اما اراده مشترک طرفین مخالف آن باشد، نمی‌توان آن تعهد را به صورت جزئی اجرا کرد. همین موضوع را ماده ۲۷۷ قانون مدنی این‌گونه بیان داشته است که متعهد نمی‌تواند متعهدله را به قبول قسمتی از تعهد مجبور کند. یعنی حتی اگر موضوع تعهد قابلیت اجرا شدن به صورت جزئی داشته باشد اما طرفین اراده مشترک بر اجرای تعهد به صورت کامل داشته باشند، در این شرایط متعهد نمی‌تواند

^{۱۹} ماده ۵-۱-۷ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی اروپا: «درمورد عدم اجرای تعهد، طرف زیان دیده می‌تواند با اخطار به طرف دیگر، مدت زمانی اضافی برای اجرای تعهد در اختیار او قرار دهد...»

^{۲۰} ماده ۱-۳-۷ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی اروپا: «هر طرف می‌تواند به قرارداد خاتمه دهد، اگر کوتاهی طرف دیگر در اجرای یک تعهد، بر طبق قرارداد، معادل با عدم اجرای اساسی تعهد باشد.»

متعهدله را مجبور به قبول بخش اجرا شده کند. در مقابل، متعهدله می‌تواند اجرای تمام موضوع تعهد را از متعهد بخواهد و یا اینکه بخشی از موضوع تعهد را مطالبه کند، چرا که او دارنده حق است و می‌تواند از تمام یا قسمتی از حق خودش چشم‌پوشی کند.

حال در فرضی که موضوع تعهد تجزیه‌ناپذیر باشد و متعهد و متعهدله واحد باشند، یک نفر باید تعهدی را که در برابر یک نفر دیگر دارد، تماماً اجرا کند تا ایفاء عهد صدق کند و در صورتی که متعهد واحد، بخشی از تعهد را اجرا کند، به جهت اینکه فرد دیگری به عنوان متعهد وجود ندارد که الزام به اجرای بخش دیگر داشته باشد و اینکه موضوع تعهد نیز ذاتاً قابل تجزیه نیست، همچنان خود او باید اجرای تعهد را به پایان برساند، مگر آنکه متعهدله از اجرای تعهد منصرف شود. مانند آنکه تعهد به تسلیم حیوان زنده مشخصی داشته باشد که تا زمان تسلیم آن، تعهد انجام‌نشده باقی خواهد ماند. البته در این فرض تفاوتی نمی‌کند که اطراف تعهد متعدد یا واحد باشند، چرا که موضوع تعهد مانع از اجرای جزئی می‌گردد.

اما در فرضی که موضوع تعهد ذاتاً تجزیه‌پذیر باشد لکن اراده بر عدم تجزیه بوده و متعهد و متعهدله واحد باشند، همچنان یک نفر باید تعهدی را که در برابر یک نفر دیگر داشته است تماماً اجرا کند تا ایفاء عهد صدق کند؛ در این صورت متعهدله می‌تواند با بخش نیمه اجرا شده موافقت کند و از بخش دیگر آن چشم‌پوشی کند و متعهد به میزان بخش اجرا نشده ملزم خواهد بود. مانند آنکه تعهد به تحویل یک خودرو و یک آپارتمان باشد که در این صورت، زمانی تعهد اجرا شده تلقی می‌گردد که هر دو موضوع اجرا شده باشند. حال اگر متعهد در زمان مقرر نتوانسته باشد هر دو موضوع را تحویل دهد، در این شرایط اگر متعهدله موافقت کند، تعهد نیمه اجرا معتبر قلمداد می‌گردد و ذمه متعهد به اندازه آن فارغ می‌شود.

بنابراین در فرض وحدت طرفین تعهد، اجرای تعهد به صورت نیمه و جزئی امکان ندارد، مگر آنکه موضوع تعهد ذاتاً تجزیه‌پذیر بوده باشد و صرفاً اراده مشترک طرفین بر عدم تجزیه و عدم اجرا به صورت جزئی صورت پذیرفته باشد که در این صورت متعهدله از حق خود صرف‌نظر کند و بخش نیمه اجرا شده را بپذیرد.

۲-۲- تعدد متعهد

ممکن است در جایگاه متعهد، بنابر دلایل قهری یا قراردادی، تعدد وجود داشته باشد و چندین شخص در مقابل متعهدله ملزم به اجرای تعهدی شوند. بدین شرح که در یک قرارداد واحد دو یا چند نفر تعهد کنند که یک آپارتمان را تسلیم خریدار کنند یا اینکه تعهد به تسلیم یک آپارتمان و یک خودرو به خریدار کنند. یا اینکه فردی آپارتمان خود را به دیگری بفروشد، اما پیش از تسلیم، فوت کند که در این صورت وراثت متعدد او جملگی در مقابل خریدار متعهد هستند.

در تعهداتی که تعدد متعهد وجود دارد، در حقیقت مسئولین متعدد جهت اجرای تعهد وجود دارند که اگر اراده مشترک بر اجرای تعهد توسط همه آنها باشد، اصل بر عدم امکان اجرای جزئی تعهد توسط هر یک است؛ اما اگر اراده مشترک این گونه استنباط نشود، در صورت تعدد متعهد، اصل بر امکان اجرای جزئی و نیمه تعهد به اعتبار تعدد متعهدین است و هر متعهد به نسبت سهمی که دارد، بری‌الذمه می‌گردد. در حقیقت وقتی با تعدد متعهد مواجه باشیم، تعهد نیز متعدد می‌گردد و اینگونه تصور می‌شود که به تعداد متعهدین، تعهدات

مستقل و متمایزی وجود دارد.^{۲۱} بنابراین قابلیت تجزیه یا عدم امکان تجزیه موضوع تعهد، در این تعدد متعهدین و اجرای تعهد به صورت کامل یا نیمه تأثیر بسزایی دارد. بدین شرح که اگر موضوع تعهد ذاتاً تجزیه‌ناپذیر باشد، مانند تحویل یک حیوان زنده و متعهدین متعدد باشند، در این حالت تعدد متعهد نمی‌تواند سبب اجرای تعهد به صورت نیمه و جزئی شود و هریک خود را در برابر انجام بخشی از تعهد مسئول بداند. مانند آنکه یکی از متعهدین حیوان را از روستا به شهر انتقال دهد و تحویل متعهد دیگر دهد و در این مرحله خود را بری‌الذمه بداند، بلکه مادامی که متعهد دیگر که حیوان را در شهر تحویل گرفته، آن را به متعهدله تحویل ندهد، همچنان تعهد برای هر دو متعهد اجرا نشده باقی مانده است؛ اما اگر موضوع تعهد ذاتاً تجزیه‌ناپذیر باشد، مانند تحویل اسب و رکاب آن، در این فرض تجزیه‌پذیر بودن موضوع تعهد در مقابل مولفه تعدد متعهدین تحت شرایطی سبب پذیرش اجرای جزئی و نیمه تعهد می‌شود:

در روابط متعهدین با متعهدله، اگر موضوع تعهد تجزیه‌ناپذیر باشد، متعهدله نمی‌تواند از هر متعهد بخشی از تعهد را مطالبه کند، مانند آنکه از متعهد اول را ملزم کند که اسب را از روستا به شهر آورده و تحویل متعهد دوم کند. چرا که موضوع تعهد باید به صورت یکجا انجام شود و تنها در این شرایط است که مسئولیت متعهدین به پایان می‌رسد. اما می‌تواند تسلیم اسب را از هریک از متعهدین مطالبه کند. اما اگر موضوع تعهد ذاتاً تجزیه‌پذیر باشد و به جهت اراده مشترک، به صورت تجزیه‌ناپذیر قلمداد شده باشد، در این شرایط متعهدله می‌تواند از هر متعهد سهمی از اجرای تعهد را مطالبه کند چرا که این حق متعهدله است و می‌تواند از حق چشم‌پوشی کرده و به اجرای نیمه و جزئی از جانب هریک از متعهدین بسنده کند.^{۲۲}

لازم به ذکر است که در صورتی که موضوع تعهد اعم از تجزیه‌پذیر یا تجزیه‌ناپذیر باشد، اگر متعهد فوت کند و با تعدد وراث مواجه شویم، تعدد قهری متعهدین، اگرچه موجبی برای امکان پذیرش اجرای نیمه و جزئی تعهد نیست اما به جهت اینکه هریک از وراث به اندازه حصه خود از ماترک، نسبت به تعهد پاسخگو است^{۲۳}، در این شرایط اگر همه وراث به میزان سهم خود به تعهد عمل کنند الا احدی از آنها، در این صورت هرچند تعهد اجرانشده تلقی می‌شود، اما متعهدله صرفاً حق مراجعه به وراثی را دارد که بر اساس سهم خودش به تعهد عمل نکرده است و از این جهت، خواه ناخواه بخش جزئی و نیمه اجرای تعهد را باید بپذیرد.

همچنین با قیاس از آثاری که تعدد متعهدین در اجرای تعهد دارد، در مواجهه متعهدین متعدد با موضوع تعهدی که اجرای جزئی آن ممکن نیست، اگر تعهد نسبت به یکی از متعهدین بنا بر اسباب قانونی مانند تهاتر، تبدیل تعهد، اقاله، مالکیت مافی‌الذمه و... سقوط کند، تعهد سایرین نیز ساقط می‌شود، چرا که موضوع تعهد تجزیه‌ناپذیر است و زمانی که تمام موضوع تعهد در رابطه میان متعهدله با احدی از متعهدین سقوط کند، ذمه تمامی متعهدین به جهت فقدان موضوعی برای ایفاء، بری می‌شود.^{۲۴}

^{۲۱}- ناصر کاتوزیان، نظریه عمومی (تهران: انتشارات نشر میزان، ۱۳۹۱) ۱۷۳.

^{۲۲} ناصر کاتوزیان، نظریه عمومی تعهدات (تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۹)، ۱۸۸.

^{۲۳}- ماده ۲۲۶ قانون امور حسبی: «ورثه ملزم نیستند غیر از ترکه چیزی به بستانکاران بدهند...»

^{۲۴} البته در خصوص ابراء قدری متفاوت است و باید توجه داشت که اگر مقصود متعهدله از ابراء، اسقاط کلی تعهد یکی از متعهدین نسبت به کل موضوع تعهد است، بر اساس ملاک ماده ۳۲۲ قانون مدنی ذمه سایر متعهدین نیز تیره می‌شود، اما اگر هدف از ابراء ذمه یکی از متعهدین، در واقع ساقط کردن حق مراجعه متعهدله به یکی از متعهدین باشد، سایر متعهدین همچنان مسئول باقی خواهند ماند.

در روابط متعهدین با یکدیگر، اگر سهم هریک از متعهدین از اجرای تعهد تعیین نشده باشد و نه از مفاد قرارداد و نه از متن قانون یا عرف نیز این سهم قایت تعیین نداشته باشد، با استناد به اصل عدم زیاده^{۲۵} اصل بر تساوی در مسئولیت متعهدین بوده و جملگی به میزان برابر مسئول اجرای تعهد یا جبران خسارات وارده می‌باشند^{۲۶}؛ حال اگر موضوع تعهد تجزیه‌ناپذیر باشد و احدی از متعهدین آن را ایفاء کند، ذمه تمامی متعهدین بری می‌شود، اما اجراکننده تعهد می‌تواند به میزان مازاد بر تکلیف خود، به سایر متعهدین مراجعه کند^{۲۷}. و اگر یکی از متعهدین به اندازه ای که در توان یا اختیار داشته، بخشی از موضوع تعهد را انجام داده باشد، اما همچنان تعهد مطابق با توافق صورت گرفته انجام نشده باشد، همه متعهدین مسئولیتشان باقی بوده و متعهدی هم که بخشی را انجام داده مستثنی نیست اما از منظر مسئولیت مدنی در جبران خسارات قراردادی به متعهدله می‌تواند به سایر متعهدین مراجعه کند. اما اگر موضوع تعهد تجزیه‌پذیر باشد و یکی از متعهدین به تنهایی همه آن را انجام دهد، در رابطه خود و سایر متعهدین می‌تواند به آنها مراجعه کند و همچنین اگر بخشی از تعهد را انجام داده باشد و بخش انجام شده مورد پذیرش متعهدله واقع شده باشد، ذمه همه متعهدین به همان اندازه بری می‌شود اما متعهدی که به وظیفه خود عمل کرده است می‌تواند به همان میزان به سایر متعهدین مراجعه کند.

۲-۳- تعدد متعهدله

در مقام بررسی آثار تعهدات نیمه‌اجرا در مواقعی که تعهد نیمه اجرا قابل قبول باشد یا غیر قابل پذیرش، نسبت به اطراف تعهد بررسی شد و حال می‌خواهیم آثار آن را در مواقعی که متعهدله متعدد است، روابط آنها را با یکدیگر و رابطه آنها را با متعهد بررسی کنیم.

زمانی که متعهد تعهد خود را به احدی از طلبکاران ایفاء کند، اگر موضوع تعهد تجزیه‌ناپذیر باشد، سایر طلبکاران به میزان سهم خود، به‌عنوان مطالبه سهم مشاع حق مراجعه به شریک خود را دارند و اگر موضوع تعهد قابل تجزیه باشد، هریک می‌توانند به میزان سهم مشخص خود، به شریک مراجعه کنند.

حال اگر متعهد تعهد را به‌صورت نیمه اجرا کرده باشد و احدی از طلبکاران آن را دریافت کرده باشد، باید بررسی شود که آیا موضوع تعهد قابلیت تجزیه داشته یا خیر. اگر قابلیت تجزیه داشته، به همان میزان ذمه او بری شده است و سایر طلبکاران به میزان سهم خود می‌توانند به شریک مراجعه کنند و اگر موضوع تعهد به‌واسطه اراده مشترک غیرقابل تجزیه بوده باشد و احدی از طلبکاران به اجرای نیمه آن رضایت داده باشد، بخش تحویل شده از ذمه متعهد فارغ و موضوع تعهد در رابطه آن طلبکار و متعهد، به تعهد قابل تجزیه تبدیل شده است و در این صورت تعهد متعهد به سایر طلبکاران همچنان باید به‌صورت کامل اجرا شود. حال اگر متعهد در مقام اجرای تعهد نسبت به سایر

^{۲۵} اصل عدم یک حکم عقلی و بدیهی است که عبارت از آن است که هیچ چیزی وجود نداشته و متأخر از نیستی، مبدل به هستی شده است. در مواردی که نسبت به کمتر یا بیشتر بودن چیزی تردید وجود داشته باشد، به‌موجب اصل عدم، اصل بر این است که زیاده از ابتدا وجود نداشته و برای اینکه به زیاده و بیشتری قائل شویم باید آن را با ادله مناسب اثبات نماییم. (صاحب جواهر ۱۴۳۵ ه.ق، ۲:۱۳۶)

^{۲۶} حسین زارع شعار و ساغر امیری، «مطالعه تطبیقی تعدد اطراف تعهد قراردادی (اتحادیه اروپا)»، حقوق قضایی. سال ۱۱. شماره ۲۷ (۱۳۹۹)، ۶۱.

^{۲۷} علیرضا یزدانیان، «تقسیم بندی منابع تعهدات قراردادی و غیر قراردادی در حقوق ایران و فرانسه»، مطالعات حقوق خصوصی، ۴۱ (۱۳۹۰): ۳۳۷-۳۵۶.

طلبکاران برآید و آنها به واسطه اینکه قبلاً بخشی از آن به صورت نیمه نسبت به احدى از طلبکاران ایفا شده، امتناع کنند، متعهد می‌تواند به وسیله تحویل دادن موضوع تعهد به حاکم، بری‌الذمه شود.^{۲۸}

اما اگر موضوع تعهد به صورت طبیعی و ذاتی قابلیت تجزیه و اجرای نیمه نداشته باشد، مانند تعهد به تسلیم یک خودرو، حتی در صورت پذیرش احدى از طلبکاران به قبول صندلی‌های خودرو، در این صورت نمی‌توان انتظار داشت که ذمه متعهد به میزان آن بخش نیمه‌اجرا شده فارغ شده باشد و بدیهی است که تعهد متعهد همچنان اجرا نشده باقی مانده و فارغ از اینکه سهم هریک از طلبکاران مفروز یا مشاع است، هرکدام از طلبکاران برای مطالبه تمام موضوع تعهد همچنان باید به متعهد مراجعه کنند.

۳- به اعتبار موضوع تعهد

موضوع تعهد می‌تواند در چهار دسته‌بندی کلی قرار گیرد یعنی متعهد ممکن است در مقابل متعهدله، پرداخت وجه، انتقال مالکیت، فعل یا ترک فعل را تعهد کرده باشد.^{۲۹} بنابراین در خصوص آثار اجرای تعهد به صورت نیمه یا جزئی، در هریک از این موارد به صورت تفکیک شده مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۳-۱- انتقال مال

در حقوق ایران نسبت به تعهد مالک برای انتقال مالکیت به خریدار، سخن چندانی به میان نیامده است چرا که به محض وقوع عقد بیع، اگر مبیع عین معین باشد، مالکیت منتقل می‌شود و اگر مبیع کلی باشد، با تعیین مصادیق و در برخی موارد به محض تسلیم، این انتقال صورت می‌پذیرد.^{۳۰} بر این اساس تعهد به تملیک نمودن مال و انتقال مالکیت یک مال از مالک اول به مالک دوم، به دو فرض مطرح می‌شود:

اول: که مهمترین اثر عقود تملیکی است، انتقال مالکیت به محض انعقاد عقد است و در نتیجه، عملاً تعهد بایع به تحویل مال می‌انجامد. در این موارد به جهت اینکه تملیک واقع شده است، دیگر تعهدی به تملیک باقی نمی‌ماند.^{۳۱} ماده ۳۳۸ قانون مدنی این ویژگی را اینگونه بیان می‌دارد که: «بیع عبارت است از تملیک عین به عوض معلوم» و در مقام بیان آثار عقد بیع که انتقال مالکیت متقابل یکی از آنها می‌باشد، در بند اول ماده ۳۶۲ قانون مدنی مقرر شده است: «به مجرد وقوع بیع، مشتری مالک مبیع و بایع مالک ثمن می‌شود.»

علی‌ای حال در مواردی که موضوع تعهد «کلی» است، اعم از «کلی در معین» و «کلی فی‌الذمه»، به علت اینکه تملیک اثر ناشی از انعقاد عقد است و از تعهد آغاز می‌شود، باید آن را از مصادیق تعهد به تملیک دانست. با این توضیح که اگر موضوع تعهد «کلی در معین» باشد، در این حالت مبیع عنوانی کلی است که با هریک از اجزاء مال معین و محصور منطبق است مانند ۱۰۰ کیلوگرم سیب از ۱۰۰۰ کیلوگرم سیب‌های موجود در انبار. تملیک زمانی رخ می‌دهد که بایع مقدار ۱۰۰ کیلوگرم را مشخص کند یا اینکه بر اثر حادثه‌ای، میزان ۹۰۰ کیلوگرم سیب از بین رود و صرفاً ۱۰۰ کیلوگرم باقی بماند. بنابراین در این فرض، بایع متعهد به مشخص کردن مصداق مال «کلی در

^{۲۸} ماده ۲۷۳ قانون مدنی: «اگر صاحب حق از قبول آن امتناع کند، متعهد به وسیله تصرف دادن آن به حاکم یا قائم مقام او بری می‌شود و از تاریخ این اقدام مسئول خساراتی که ممکن است به موضوع تعهد وارد آید نخواهد بود.»

^{۲۹} ناصر کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، جلد چهارم (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۷)، ۳۵-۴۴.

^{۳۰} ابراهیم شعاریان، حقوق بیع بین‌المللی (تهران: انتشارات شهردانش، ۱۴۰۰)، ۳۹۴.

^{۳۱} ناصر کاتوزیان، نظریه عمومی تعهدات (تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۹)، ۴۸.

معین» است. که در اینصورت تعهد بایع به تعیین مصداق، در واقع تعهد به انتقال مالکیت است^{۳۲}. از طرفی دیگر اگر موضوع تعهد «کلی فی الذمه» باشد، در این فرض موضوعی کلی بر ذمه بایع مستقر است که متعهد است مالی را با اوصاف معین به مشتری مسترد کند^{۳۳} اما با توجه به تملیکی بودن عقد هم در کلی در معین و هم در فرض «کلی فی الذمه»^{۳۴} و با توجه به اینکه ماده ۳۵۰ قانون مدنی در مقام بیان اقسام عین در عقد بیع است، و اقسام «عین» موضوع ماده ۳۵۰ قانون مدنی در مقابل منفعت و حق قرار دارد، نه در مقابل «دین»، بلکه شامل آن هم می‌گردد؛ بنابراین تعهد کلی فی الذمه نیز عین محسوب و قابل تملیک است.

دوم: پاره‌ای از تعهدات وجود دارد که به موجب آن شخص ملتزم می‌شود پس از تمهید مقدمات، مالکیت مالی را به متعهدله منتقل کند. عقودی مانند اجاره به شرط تملیک که حاوی وعده به انتقال مالکیت هستند، از این قبیل می‌باشند به نحوی که در فرض قرارداد اجاره که همراه با وعده یک طرفه فروشنده مبنی بر انتقال مالکیت در پایان اقساط است، فروشنده متعهد می‌گردد که پس از حصول شرایط نسبت به انتقال مالکیت اقدام کند و در فرضی که قرارداد اجاره منتهی به انتقال خود به خودی مالکیت می‌شود، در واقع پس از اتمام اقساط، فروشنده متعهد است که مالکیت را به مستأجر منتقل کند که البته از نظر تئوریک، به محض حصول شرایط و پرداخت کامل اقساط، مالکیت به خود به خود منتقل می‌گردد فقط کافیست که موجر در مدت اجاره آن را به دیگری منتقل نکند (تعهد به ترک فعل) و مستأجر نیز ضمن نگهداری از مال موضوع اجاره، اقساط آن را پرداخت کند (تعهد به انجام فعل)^{۳۵} یا در مثال دیگر اینکه مالکی ضمن قولنامه تعهد می‌کند که آپارتمان خود را به دیگری بفروشد که در اینجا در واقع التزام به تملیک همان تعهد به انجام دادن عمل حقوقی آتی است که به موجب قانون سبب انتقال مال می‌شود که در اینجا در واقع غایت موضوع تعهد نیز انجام فعل است نه انتقال مالکیت^{۳۶}. اما با مسامحه می‌توان در زمره تعهدات به انتقال مالکیت دسته بندی کرد.^{۳۷}

تعهد به انتقال مالکیت، مانند زمانی که فردی متعهد به انتقال مالکیت شش دانگ یک ملک شده باشد؛ در صورتی اجرا شده تلقی می‌شود که متعهد، مالکیت شش دانگ معهود را به نحوی که تعهد داشته است به متعهدله انتقال دهد؛ چرا که غالباً تعهد به انتقال مالکیت، تعهدی تجزیه‌ناپذیر است و متعهد باید تماماً موضوع تعهد را اجرا کند. حال اگر سه دانگ از مالکیت را منتقل کند و سه دانگ دیگر را به هر دلیلی موفق به انتقال نشود، تعهد اجرا نشده باقی مانده است. در این فرض، اگرچه مالکیت بخشی از ملک به متعهدله منتقل شده است، اما به جهت اینکه موضوع تعهد شش دانگ ملک بوده و تماماً اجرا نشده است، ذمه متعهد همچنان نسبت به موضوع تعهد مشغول است و نمی‌تواند تعهد خود را به دو بخش اجرا شده و اجرا نشده تفکیک کند، بلکه در صورت انتقال کامل مالکیت، ذمه او بری می‌شود.

^{۳۲} همان، ۴۸.

^{۳۳} محمد جعفر جعفری لنگرودی، تأثیر اراده در حقوق مدنی (تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۸)، ۹۹۴.

^{۳۴} ماده ۳۳۸ قانون مدنی

^{۳۵} ناصر کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، جلد چهارم (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۷) ۷۶-۸۱.

^{۳۶} ناصر کاتوزیان، نظریه عمومی تعهدات (تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۹)، ۴۹.

^{۳۷} موضوع اینگونه تعهدات نیز مانند سایر تعهدات ناظر به انجام عمل است و باید در زمره آن گروه قرار گیرد، حال آنکه اراده و یا تعهد بایع در عقیدیه، مستقیماً موجب انتقال مالکیت می‌گردد و اساساً تعهد به انتقال مالکیتی باقی نخواهد ماند. به عبارتی دیگر در عقود تملیکی اگرچه موضوع «مال کلی» باشد انتقال نتیجه مستقیم عقد است، اما در تعهد به تملیک، انتقال نتیجه قرارداد ثانی خواهد بود که مالک به موجب قرارداد اول، انجام آن را برعهده گرفته است. (همان، ۴۸).

در صورتی که متعهد انتقال مالکیت، چندین ملک را تعهد کرده باشد با توجه به قابلیت تجزیه پذیری به واسطه تعدد موضوع تعهد؛ اگر بخشی از موارد را انجام دهد و برخی را انجام نداده باشد، هرچند تعهد به صورت نیمه اجرا شود، اما نسبت به هریک از مواردی که انتقال مالکیت را انجام داده است، بری الذمه خواهد شد و متعهدله باید اجرای مابقی تعهد یعنی انتقال مالکیت سایر اموال را از او مطالبه کند.

در کنوانسیون بیع بین المللی کالا نسبت به تعهد بایع به انتقال مالکیت کالا در ماده ۳۰ مقرر شده: «بايع مكلف است به ترتيبی که در قرارداد و این کنوانسیون مقرر شده است، کالا را تسلیم کند، هرگونه مدرک مربوط به کالا را تحویل کند و مالکیت کالا را انتقال دهد» باین حال، به موجب بند ب از ماده ۴ کنوانسیون، مقرر شده که کنوانسیون ارتباطی با آن دسته از آثاری که قرارداد با مالکیت کالا می تواند داشته باشد را ندارد^{۳۸}. علت این سیاست کنوانسیون بدین جهت است که قواعد انتقال مالکیت در کشورها، متفاوت است به نحوی که ممکن است مالکیت کالای در حال حمل و نقل در یک کشور به خریدار منتقل شود و در کشور دیگر تازمانی که کالا تسلیم نشده باشد، مالکیت آن کالای در حال حمل و نقل در اختیار بایع باشد^{۳۹}.

در اصول قراردادهای تجاری بین المللی ۲۰۱۰ و ۲۰۱۶ صراحت و بیانی در خصوص تعهد یک طرف به انتقال مالکیت وجود ندارد و به صورت کلی در ماده ۱-۱-۶ مقرر شده که: «هر طرف باید تعهداتش را به نحو زیر اجرا کند» و دقیقاً مشخص نشده است که تعهدات فروشنده مبنی بر انتقال مالکیت کالا به خریدار چگونه انجام می شود. بنابراین به نظر می رسد با توجه به اینکه انتقال مالکیت در کشورهای مختلف متفاوت است، اصول قراردادهای تجاری بین المللی اروپا در بند ۴ از ماده ۱ خود، رویه ای مانند کنوانسیون بیع بین المللی اتخاذ کرده و این اجرای جزئی این تعهد، باید به صورت موردی با توجه حقوق بین الملل خصوصی و بر اساس قواعد و قوانین کشورهای متبوعه بررسی شود.

در ۱۲ فوریه ۱۹۹۸، اتاق بازرگانی و صنعت بلغارستان (BCCI) به اختلاف بین یک فروشنده روسی و یک خریدار بلغاری رسیدگی کرد. خریدار پس از دریافت اولین محموله، با ارسال چندین فکس از فروشنده خواست ارسال کالاهای بعدی را متوقف کند، اما همچنان از پرداخت کامل مبلغ قرارداد خودداری نمود. فروشنده برای دریافت کل مبلغ قرارداد و بهره دیرکرد شکایت کرد، درحالی که خریدار نیز دادخواست متقابلی برای بازپرداخت هزینه های مالیات، حمل و نقل، انبارداری و کارمزد کالاهایی که پس از درخواست توقف ارسال، تحویل شده بودند، ارائه داد. دادگاه اعلام کرد که فکس های ارسالی خریدار صرفاً پیشنهادی برای اصلاح قرارداد بودند که فروشنده هیچ الزامی برای پذیرش آن ها نداشت. همچنین، ادعای خریدار مبنی بر شرایط نامساعد بازار، مشکلات ذخیره سازی، نوسانات ارزی و کاهش تجارت در صنعت ساخت و ساز، بر اساس ماده ۷۹ کنوانسیون CISG رد شد، زیرا این عوامل ریسک های تجاری خریدار محسوب می شوند و از پیش قابل پیش بینی بوده اند^{۴۰}.

^{۳۸} ابراهیم شعاریان و فرشاد رحیمی، حقوق بیع بین المللی (تهران: انتشارات شهر دانش، ۱۴۰۰)، ۳۸۹.

^{۳۹} بیانکا، چزاره ماسیمو و دیگران. تفسیری بر حقوق بیع بین المللی کنوانسیون ۱۹۸۰ وین، ترجمه مهرداد داراب پور (تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۵)، ۶۶.

^{۴۰} Biljana Dischlieva, "Erste Entscheidungen zum UN-Kaufrecht aus Bulgarien," in *Rudolf Meyer zum Abschied: Dialog Deutschland-Schweiz VII*, ed. Michael R. Will (Geneva: Faculté de droit, Université de Genève, 1999), 192-201, accessed [date of access], <http://cisgw3.law.pace.edu/>.

در مورد انتقال مالکیت، دادگاه استدلال خریدار مبنی بر اینکه به دلیل تحویل کالاها پس از درخواست توقف ارسال، مالک آنها نشده است، رد کرد. خریدار موظف به دریافت کالاها بوده و از آنجا که کالاها را آزادانه در اختیار داشت و حتی به فروش رسانده بود، مشخص شد که مالکیت را پذیرفته و فروشنده تعهد خود را مطابق ماده ۳۰ کنوانسیون CISG انجام داده است. بر این اساس، دادگاه مطابق مواد ۵۳ و ۶۰ CISG خریدار را ملزم به تحویل کالاها و پرداخت باقی مانده مبلغ قرارداد کرد.

۳-۲- فعل

تعهد به فعل، تعهدی است که موضوع آن انجام کاری بر عهده متعهد باشد و ملتزم به انجام عملی مشخص شود^{۴۱} به عبارتی متعهد ملتزم به انجام عملی مادی یا عملی حقوقی می شود^{۴۲} یا اینکه موضوع تعهد از جمله افعالی باشد که قائم به شخص متعهد باشد مانند آنکه انجام یک نقاشی خاص را از یک هنرمند برجسته بخواهند که در این فرض انجام فعل صرفاً با عمل شخص نقاش برجسته (متعهد) محقق می گردد و امکان واگذاری به غیر را ندارد. در مواردی ممکن است اجرای تعهد قائم به شخص متعهد نباشد چنان که عملیات حمل و نقل موضوع تعهد باشد و در این نوع از تعهد، مهم پایان گرفتن عمل حمل و نقل است و این فعل ممکن است توسط متعهد یا به کنندگی از متعهد انجام شود.

در جهت انطباق تعهد با آنچه که توافق شده، انجام فعل باید به صورت کامل و یکجا باشد که بتوان متعهد را بری الذمه دانست؛ مگر آنکه هر جزء از فعل با الاصله برای متعهدله موضوعیت داشته باشد و در این شرایط بخش اجرا شده را می توان به عنوان تعهدی نیمه اجرا شده از متعهد پذیرفت. مانند تعهد عامل در قرارداد جعاله نسبت به بنا کردن چند صد متر دیوار که فقط نیمی از آن را انجام داده باشد و نسبت به انجام مابقی ناتوان شود. اما اگر اجرای جزء تعهد برای متعهدله فاقد ارزش باشد، در این صورت نمی توان متعهدله را به پذیرش مقدار اجرا شده ملزم نمود مانند تعهد به تهیه تعداد بکصد بسته خوراکی پذیرایی برای روز مشخص، که متعهد فقط تعدادی را انجام داده باشد. اینکه ماده ۲۷۷ قانون مدنی تصریح داشته که: «متعهد نمی تواند متعهدله را مجبور به قبول قسمتی از موضوع تعهد کند...» امری بدیهی است و منطبق با توافق صورت گرفته اما به راستی اگر جزء اجرا شده قابلیت تجزیه داشته باشد و برای متعهدله هم موضوعیت داشته باشد، اما از قبول آن امتناع ورزد، متعهد می تواند «به وسیله تصرف دادن آن به حاکم بری شود»^{۴۳} حال بررسی این موضوع که اجزاء تعهد برای متعهدله موضوعیت دارد یا ندارد و اینکه آیا متعهدله در رد میزان تعهد اجرا شده دارای سوءنیت یا حسن نیت است یا خیر، با محکمه بر عهده محکمه است.

در کنوانسیون بیع بین المللی کالا تعهداتی که فروشنده و خریدار برعهده دارند، غالباً انجام فعل است^{۴۴} بدین نحو که ذیل تعهدات اصلی برای هر یک از بایع و مشتری مقرر شده است، کالا و مدارک مربوط به آن به مشتری تسلیم و متقابلاً مشتری کالا را دریافت و ثمن معامله را پرداخت کند.

^{۴۱} محمد جعفر جعفری لنگرودی، مبسوط در ترمینولوژی حقوق (تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۶)، ۱۳۴۰.

^{۴۲} ناصر کاتوزیان، نظریه عمومی تعهدات (تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۹)، ۵۰.

^{۴۳} ماده ۲۷۳ قانون مدنی

^{۴۴} ماده ۳۰ کنوانسیون بیع بین المللی کالا: «بایع مکلف است به ترتیبی که در قرارداد و این کنوانسیون مقرر شده است، کالا را تسلیم کند، هرگونه مدرک مربوط به کالا را تحویل کند...» ماده ۵۳ کنوانسیون بیع بین المللی کالا: «مشتری مکلف است به ترتیب مقرر در قرارداد و این کنوانسیون، ثمن کالا را تأدیه و کالا را قبض کند.»

اگر هریک از تعهدات طرفین به صورت جزئی انجام شود یعنی فروشنده، به با کمیت و کیفیت مقرر کالا را تحویل نکند یا اینکه کالا را مطابق با معهود تحویل کند اما اسناد و مدارک مربوطه را به صورت کامل و صحیح تحویل نکند یا اینکه اطلاعات لازمه در خصوص کالا را در اختیار مشتری قرار ندهد و در مقابل مشتری بخشی از ثمن را پرداخت نکند یا از دریافت کالا امتناع ورزد؛ و به عبارتی نقض عهد انجام شود، اگر این نقض تعهد به صورت اساسی نباشد، مهلتی جهت اجرای تعهد به صورت کامل به متعهد اعطا می گردد و اگر نقض اساسی قرارداد باشد، متعهدله می تواند قرارداد را ابطال کند. برای مثال تعهد مشتری به تحویل مبیع، حاوی دو مولفه «حق» و «تکلیف» است که مشتری حق دارد کالا را دریافت کند و البته مکلف هست که در زمان مقرر وقتی کالا توسط بایع و مطابق با مواد ۳۱ به بعد جهت تحویل ارائه می شود، بر اساس ماده ۶۰ کنوانسیون آن را بپذیرد. حال اگر از دریافت بخشی از کالا امتناع ورزد، کنوانسیون سکوت نموده و به استناد بند دوم از ماده ۷ کنوانسیون بیع بین المللی کالا می توان این امتناع از اجرای تعهد توسط مشتری را با اصول و قواعد حقوقی کلی تعیین تکلیف نمود و مشتری را ملزم به «همکاری» با فروشنده دانست و در این صورت متعهدله این امکان را دارد که فسخ قرارداد را مطالبه کند.^{۴۵}

در اصول قراردادهای تجاری بین المللی اروپا ۲۰۱۰ و ۲۰۱۶ نیز دو طرف به طور کلی ملزم به اجرای تعهدات خود می باشند و در صورتی که تعهد را به صورت جزئی و ناقص انجام دهند، تعهد همچنان انجام نشده تلقی می گردد چرا که در ماده ۱-۱-۷ اصول قراردادهای تجاری بین المللی بیان شده است که کوتاهی متعهد در اجرای تعهد اگر موجب اجرای معیوب، ناقص یا اجرای همراه با تأخیر شود، به منزله عدم اجرای تعهد است و در نتیجه مهلتی به متعهد اعطا می گردد^{۴۶} که بتواند تأخیر وارده، عیب یا نقص موجود را جبران کند و به عبارتی تعهد خود را تماماً و به صورت کامل اجرا کند که بتوان دمه او را بری دانست و اگر پس از انقضای مهلت، تعهد همچنان انجام نشده باقی مانده باشد، یا در صورت وجود سایر تجویزات اعلامی در اصول قراردادهای تجاری اروپا، متعهدله حق اعلام خاتمه قرارداد را دارد.^{۴۷}

۳-۳- ترک فعل

ممکن است متعهد، ملتزم به ترک عملی مشخص شود مانند تعهد به ترک بیع توسط وام گیرنده ای که ضمن قرارداد دریافت وام تعهد کند، تازمانی که کل وام را تأدیه نکرده است، نسبت به فروش ملک خود اقدامی نکند^{۴۸} یا مانند آنکه مغازه داری ضمن انتقال حق کسب و پیشه

^{۴۵} ابراهیم شعاریان و فرشاد رحیمی، حقوق بیع بین المللی (تهران: انتشارات شهر دانش، ۱۴۰۰)، ۱۳۲.

^{۴۶} ماده ۵-۱-۷ اصول قراردادهای تجاری بین المللی اروپا

^{۴۷} ماده ۱-۳-۷ اصول قراردادهای تجاری بین المللی اروپا: «۱- هر طرف می تواند به قرارداد خاتمه دهد، اگر کوتاهی طرف دیگر در اجرای یک تعهد، بر طبق قرارداد، معادل با عدم اجرای اساسی تعهد باشد. ۲- در تعیین اینکه آیا کوتاهی در اجرای تعهد، معادل با عدم اجرای اساسی است یا خیر، به ویژه باید به امور زیر توجه داشت: الف- اینکه عدم اجرای تعهد، طرف زیان دیده را به طور اساسی از آنچه بر طبق قرارداد مستحق بوده، انتظارش را داشته باشد، محروم می کند یا خیر؛ مگر اینکه طرف دیگر نتیجه مزبور را پیش بینی نکرده یا به طور متعارف نمی توانسته است آن را پیش بینی کرده باشد؛ ب- اینکه رعایت دقیق تعهدی که اجرا نشده، رکن قرارداد بوده است یا خیر؛ ج- اینکه عدم اجرای تعهد عمدی بوده یا از روی بی احتیاطی؛ د- اینکه عدم اجرای تعهد به طرف زیان دیده حق می دهد به این اعتقاد برسد که نمی تواند بر اجرای آتی تعهدات از سوی طرف دیگر اتکا کند یا خیر؛ ه- اینکه اگر به قرارداد خاتمه داده شود، طرف مسئول عدم اجرا در نتیجه آماده کردن مقدمات یا اجرای تعهد، متحمل زیان نامناسبی خواهد شد یا خیر؛ ۳- در صورت تأخیر هم طرف زیان دیده می تواند در صورتی که طرف دیگر قبل از انقضای زمان مجاز شده از سوی طرف زیان دیده در ماده ۵-۱-۷ در اجرای تعهد کوتاهی کند، به قرارداد خاتمه دهد.»

^{۴۸} محمد جعفر جعفری لنگرودی، مبسوط در ترمینولوژی حقوق (تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۶)، ۱۳۲۴.

خود، متعهد گردد که در نزدیکی محل کسب طرف دیگر مبادرت به انجام همان نوع از تجارت نکند و یا تعهد موجد در قرارداد اجاره به شرط تملیک به عدم فروش ملک خود تا پایان مدت زمان پرداخت اقساط توسط مستأجر.

تعهدات منفی، یا همان تعهد به ترک یک عمل مشخص^{۴۹}، به گونه‌ای است که نمی‌توان، قائل به تجزیه آن‌ها بود و متعهد بخشی را ترک کند و بخشی دیگر را تخطی کند و نسبت به بخش ترک شده، خود را بری‌الذمه بداند. پس صرفاً در صورتی قائل به وفای عهد خواهیم بود که نسبت به موضوع تعهد به صورت آنچه که توافق شده امتناع شود.

در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در خصوص وجود تعهدات منفی برای طرفین مقرر یا فرضی وجود ندارد چرا که سیاق کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا با تمرکز نسبت به موضوع «خرید و فروش کالا» است و تعهدات اصلی طرفین به طور کلی عبارت است از تعهد به انجام موضوع مواد ۳۰ و ۵۳ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا که به وضوح انجام فعل را تصریح می‌کند.

باین حال، بر خلاف کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا؛ در اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی سخن از «تعهد» و «اجرای تعهد» به صورت مطلق است و مقررات آن اختصاص به بیع ندارد و در نتیجه ممکن است موضوع مورد توافق طرفین با محوریت اصول قراردادهای تجاری اروپا، انجام یک خدمت تجاری، یک خرید و فروش، یک همکاری تجاری میان دو تاجر یا دو هلدینگ بین‌المللی در قالب مشارکت در یک حوزه اقتصادی خاص و... باشد که در این شرایط، ایجاد برخی تعهدات به صورت ترک فعل برای طرفین قرارداد دور از ذهن نمی‌باشد و منطبق با سیاق اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی و اصول کلی حقوقی است که در این صورت تنها زمانی می‌توان قائل به ایفای عهد شد که متعهد به ترک فعل، به صورت کامل به تعهد خود که امتناع از انجام امری بوده است، عمل کند؛ مانند آنکه در یک توافق بین‌المللی میان دو هلدینگ تجاری، یکی از طرفین ضمن قرارداد منعقد، به صورت شرط ضمن عقد تعهد کرده باشد که در یک مناقصه تجاری شرکت نکند و تنها در صورتی می‌توان قائل به ایفای این تعهد شد که هرگز در مناقصه منظور، شرکت نکند در غیر این صورت مطابق مقررات جاری در اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی ۲۰۱۰ و ۲۰۱۶ می‌توان قائل به نقض عهد و عدم اجرای تعهد بود.

۳-۴- پرداخت وجه

همان‌طور که گفته شد تعهد پولی، از جمله تعهداتی است که به نحوی موضوع آن انتقال مال است مانند آنکه مقتضی تعهد به رد مثل مال قرض شده باشد اگرچه قیمتاً تنزل یا ترقی کرده باشد.^{۵۰} از طرفی دیگر تعهد به تأمین ارزش پولی و بانکی از جمله تعهداتی است که موضوع آن انجام عمل است. در تعهد به تأمین ارزش، در حقیقت تحقق امر و انجام کاری مورد نظر است مانند آنکه مردی متعهد به تأمین نفقه همسرش شود^{۵۱} و پرداخت وجه طریقه تأمین خوراک، پوشاک، مسکن و درمان است و اگر ارزش وجه مشخص شده نتواند همه موارد نفقه را تأمین کند، به‌ناچار باید به میزانی که همه موارد تأمین گردد، وجه را پرداخت کند.

⁴⁹ Bogdan Nazat, "Theoretical Aspects Regarding the Obligation as Provided by the Romanian Legislation and the Doctrine," *Challenges of the Knowledge Society* (Bucharest, 2015), 261.

^{۵۰} ماده ۶۵۰ قانون مدنی: «مقتضی باید مثل مالی را که قرض کرده است رد کند اگرچه قیمتاً ترقی یا تنزل کرده باشد.»

^{۵۱} ناصر کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، جلد چهارم (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۷)، ۳۹.

اجرای تعهد به پرداخت وجه شرابطی متفاوت دارد که باید در نظر داشت آیا هدف از پرداخت وجه انتقال مال است یا تأمین ارزش؟ اگر انتقال مال باشد، اجرای جزئی از آن می‌تواند سبب رفع اشتغال ذمه متعهد گردد و اگر تأمین ارزش باشد باید بررسی شود که آیا با اجرای جزئی، امکان مورد نظر از پرداخت وجه برای متعهدله حاصل می‌شود یا خیر؟ پس با این وصف، از یک طرف می‌توان انتظار داشت که متعهدله بخش پرداخت شده وجه را باید بپذیرد و از طرفی دیگر می‌توان انتظار داشت که متعهدله نباید پرداخت جزئی از وجه را بپذیرد و باید به صورت یکجا پرداخت شود. اگر پرداخت جزئی به گونه ای باشد که با توجه به تورم و وضعیت ناپایدار بازار، متعهدله نتواند از آن بهره‌برداری منطقی کند، می‌توان انتظار عدم پذیرش را از او داشت و پرداخت نیمه را از متعهد نپذیرفت و بالعکس می‌توان متعهدله را مجبور به قبول قسمتی از موضوع تعهد نمود.^{۵۲}

در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، به جهت اینکه موضوع خرید و فروش کالا است و در نتیجه انعقاد عقد بیع، فقط خریدار تعهد به تسلیم ثمن دارد؛ در مواد ۵۴ تا ۵۹ اصول به تعهد پرداخت وجه به عنوان تعهد اختصاصی خریدار تصریح و به بیان احکام آن در خصوص نحوه تعیین میزان ثمن، مکان و زمان تحویل ثمن و تکلیف مشتری به مقدمات آن، پرداخته شده است.

به موجب کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، مشتری به جهت تعهدی که برای پرداخت ثمن معامله دارد، باید مجموع تمهیدات و تشریفات لازمه جهت اجرای این تعهد را نیز انجام دهد که در نتیجه هزینه‌های پرداخت ثمن نیز بر عهده خریدار است.^{۵۳} بدین شرح که مثلاً خریدار ملزم است تعهد به پرداخت وجه را در قالب اعتبارات اسنادی تأدیه کند یا اینکه ممکن است توافق شده باشد پرداخت ثمن را از طریق ضمانت نامه‌های بانکی تضمین کند.^{۵۴} که در این قبیل موارد، پرداخت ثمن ملازم با انجام تشریفات بخصوصی است که اگر هریک از این موارد به درستی انجام نگردد، نمی‌توان قائل به اجرای تعهد به صورت جزئی گردید، یا در صورتی که با بیع به تعهدات خود عمل کرده باشد و موعد پرداخت ثمن نیز فرارسیده باشد، بدون نیاز به درخواست بایع، مشتری ملزم به پرداخت ثمن است و اگر مشتری به هر دلیلی از پرداخت ثمن امتناع ورزد یا بخشی از آن را پرداخت نکند، در حقیقت تعهد او اجرا نشده تلقی می‌گردد و در این صورت بایع می‌تواند با استناد به ماده ۵۹ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا خریدار را ملزم به پرداخت کامل ثمن معامله کند.

در اصول قراردادهای بین‌المللی اروپا در خصوص تعهد به طور کلی بیان شده است که کوتاهی متعهد در اجرای هریک از تعهداتش، به منزله عدم اجرای تعهد است.^{۵۵} همچنین در اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی اروپا پیش بینی شده است که ممکن است هریک از طرفین به موجب قرارداد فیما بین، ملزم به پرداخت وجه گردد و در رابطه با نحوه اجرای تعهدات پولی، ذیل فصل ششم، مقرراتی وضع شده است.^{۵۶}

^{۵۲} - ماده ۲۷۷ قانون مدنی

^{۵۳} ماده ۵۴ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا: «تعهد خریدار به پرداخت ثمن شامل انجام چنان اقدامات و رعایت تشریفات است که ممکن است طبق قرارداد یا قوانین و مقررات برای امکان پرداخت ثمن، لازم تلقی شود»

^{۵۴} ابراهیم شعاریان، حقوق بیع بین‌المللی (تهران: انتشارات شهردانش، ۱۴۰۰)، ۶۶۴.

^{۵۵} ماده ۱-۷-۱ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی

^{۵۶} مواد ۷-۱-۶ تا ۱۲-۱-۶ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی

حال اگر متعهد به پرداخت وجه، در اجرای تعهدات پولی خود و انتقال وجه به شرح قرارداد و اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی کوتاهی کند یا اینکه به صورت جزئی پرداخت کند، به موجب ماده ۱-۱-۷ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی تعهد اجرا نشده باقی می‌ماند و متعهدله می‌تواند الزام به پرداخت را مطالبه کند به نحوی که در ماده ۲-۲-۷ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی مقرر شده: «در صورتی که طرف متعهد به پرداخت پول، در اجرای تعهد خود کوتاهی کند، طرف دیگر می‌تواند الزام به پرداخت را مطالبه کند.» در حقیقت استفاده از واژه «کوتاهی» در اجرای تعهد، گستره مصادیق در عدم اجرای تعهد پولی را توسعه می‌دهد و می‌توان در تفسیر این واژه به ماده ۱-۱-۷ نیز توجه نمود و حتی عدم اجرای بخشی از تعهد پولی را نیز مشمول آن دانست. با این حال به نظر می‌رسد که ذمه متعهد نسبت به بخش پرداخت شده از وجه، بری می‌گردد و بر همین اساس متعهدله می‌تواند به موجب ماده ۲-۲-۷ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی الزام به اجرای مابقی تعهد را از متعهد یا از دادگاه مطالبه کند.

در یک قرارداد بیع بین‌المللی منعقدشده در سال ۱۹۹۰، یک فروشنده اتریشی و یک خریدار بلغاری توافق کردند که پرداخت از طریق اعتبار اسنادی انجام شود و تحویل کالا به صورت (DAF تحویل در مرز) در مرز اتریش-مجارستان صورت گیرد. خریدار از گشایش اعتبار اسنادی در مهلت مقرر یا در دوره تمدیدی که فروشنده تعیین کرده بود، خودداری کرد. فروشنده، که برای حفظ کالا مجبور به انبار کردن آن شد، با استناد به عدم اجرای تعهدات از سوی خریدار، اقدام قانونی کرد و خواستار اجرای قرارداد و دریافت خسارت شد. در مقابل، خریدار مدعی بود که به دلیل تعلیق پرداخت بدهی‌های خارجی از سوی دولت بلغارستان قادر به گشایش اعتبار اسنادی نبوده است. دادگاه CISG را به عنوان قانون حاکم بر قرارداد شناسایی کرد، زیرا قوانین بین‌المللی خصوصی هر دو کشور به قانون اتریش (یکی از امضاکنندگان کنوانسیون) ارجاع می‌دادند. با استناد به ماده ۵۴ CISG، دادگاه تصریح کرد که تعهد خریدار به پرداخت قیمت شامل تمام اقدامات لازم از جمله گشایش اعتبار اسنادی و تشریفات قانونی مربوطه می‌شود. همچنین، با استناد به مواد ۶۱(الف) و ۶۲ کنوانسیون، اجرای قرارداد را بر خریدار الزام کرد و اشاره نمود که اگر فروشنده قصد فسخ داشت، می‌بایست مطابق ماده ۲۶ به طور رسمی اعلام و اخطار لازم را ارسال می‌کرد.^{۵۷}

در مورد ادعای فورس ماژور، دادگاه ادعای خریدار را رد کرد و با استناد به ماده ۷۹(۱) CISG اعلام کرد که دستور دولت بلغارستان برای تعلیق پرداخت بدهی‌های خارجی، به تنهایی توجیهی برای عدم گشایش اعتبار اسنادی نیست، زیرا اولاً، خریدار نتوانست ثابت کند که این تعلیق مستقیماً مانع پرداخت شده و ثانیاً، این وضعیت قبل از انعقاد قرارداد قابل پیش‌بینی بوده است. همچنین، از آنجا که CISG در مورد بندهای جریمه مقررهای ندارد، دادگاه مطابق ماده ۷(۲) کنوانسیون، قانون اتریش را اعمال کرد و فروشنده را مستحق دریافت تمامی خسارات دانست، حتی فراتر از محدودیت تعیین شده در بند جریمه قرارداد.

⁵⁷ Original in German, unpublished. Published in French as *Journal du Droit International*, 1993, 1028-1037. Commented on by D. Hascher, *Journal du Droit International*, 1993, 1037-1040," accessed [date of access], <https://www.unilex.info/cisg/case/37>.

نتیجه گیری

آثار اجرای جزئی تعهد را از حیث اطراف تعهد از سه جهت یعنی در فرض وحدت اطراف تعهد، در فرض تعدد متعهد و نهایتاً در فرض تعدد متعهدله قابل بررسی است که مشخص گردید باید به ماهیت موضوع تعهد و اراده مشترک طرفین نیز توجه نمود و بر این اساس می توان تحت شرایطی قائل به پذیرش تعهد نیمه اجرا گردید. لذا تجزیه پذیر بودن یا تجزیه پذیر نبودن تعهد نیمه اجرا شده، به عنوان یک معیار در بررسی آثار آن در نظر گرفته شده و در این رابطه در حقوق داخلی تعهدات تجزیه پذیر ذیل عنوان «انحلال عقد واحد به عقود متعدد» طرح شده است و در مواردی که تعهد به صورت غیرقابل تجزیه باشد، هیچ جزئی از تعهد در مقابل هیچ جزئی از ثمن قرار نمی گیرد و در این موارد قاعده «انحلال عقد واحد به عقود متعدد» جاری نمی باشد و متعهد ملزم به اجرای کامل تعهدات خود است و اجرای جزئی و نیمه اجرا موجب برائت ذمه او نمی شود.

در کنوانسیون بیع بین المللی کالا میان تعهدات قابل تجزیه و تعهد اقساطی، تفاوت وجود دارد و متعهدله مستند به مواد ۵۱ و ۷۳ کنوانسیون، اختیار فسخ قرارداد را نسبت به قسمت نقض شده دارد؛ بنابراین کنوانسیون بیع بین المللی کالا نیز اجرای جزئی تعهد را پیش بینی کرده است؛ اما در رابطه با آن دسته از تعهداتی که ماهیت غیرقابل تجزیه دارند، نقض بخشی از تعهد، نقض اساسی کل قرارداد تلقی می شود و متعهدله حق فسخ قرارداد را در این شرایط به دست می آورد.

در اصول مصوب مؤسسه یکپارچه سازی حقوق خصوصی به موجب ماده ۱-۱-۷ متعهد را ملزم به اجرای کامل تعهد و مطابق با توافق صورت گرفته می داند اما با این وجود اجرای جزئی تعهد در مواد ۲-۱-۶ و ۳-۱-۶ پیش بینی شده است.

- اخلاقی، بهروز، و فرهاد امام. اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی. تهران: نشر میزان، ۱۳۹۶.
- امامی، حسن. حقوق مدنی. جلد اول. چاپ بیست و هشتم. تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۸۷.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر. تأثیر اراده در حقوق مدنی. تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۸.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر. حقوق تعهدات. چاپ چهارم. تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۹.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر. مبسوط در ترمینولوژی حقوق. تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۶.
- چهاره ماسیمو، بیانکا و دیگران. تفسیری بر حقوق بیع بین‌المللی کنوانسیون ۱۹۸۰ وین، ترجمه مهرداد داراب پور. تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۵.
- زارع شعار، حسین، و ساغر امیری. «مطالعه تطبیقی تعدد اطراف تعهد قراردادی (اتحادیه اروپا)». حقوق قضایی 11، ۲۷ (۱۳۹۹): ۶۱.
- سنه‌وری، عبدالرزاق احمد. دوره حقوق تعهدات: اوصاف تعهد، شرط، اجل، تعدد. جلد سوم. چاپ دوم. ترجمه سید مهدی دادمرزی و محمدحسین دانش‌کیا. قم: انتشارات دانشگاه قم، ۱۳۸۸.
- شعاریان، ابراهیم، و فرشاد رحیمی. حقوق بیع بین‌المللی. تهران: انتشارات شهر دانش، ۱۴۰۰.
- کاتوزیان، ناصر. قواعد عمومی قراردادها. جلد چهارم. تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۷.
- کاتوزیان، ناصر. نظریه عمومی تعهدات. تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۹.
- کاتوزیان، ناصر. نظریه عمومی. تهران: انتشارات نشر میزان، ۱۳۹۱.
- میرزائاد جویباری، اکبر. «فسخ جزئی یا تجزیه قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (۱۹۸۰-وین) و حقوق ایران». مجله حقوقی بین‌المللی 20، شماره ۲۹ (پاییز و زمستان ۱۳۸۱)، ۲۸۵-۳۳۰.

<https://doi.org/10.22066/cilamag.2003.18041>.

یزدانیان، علیرضا. «تقسیم‌بندی منابع تعهدات قراردادی و غیرقراردادی در حقوق ایران و فرانسه». مطالعات حقوق خصوصی 41، شماره ۲ (۱۳۹۰): ۳۳۷-۳۵۶.

<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.25885618.1390.41.2.20.0>

Dischlieva, Biljana. "Erste Entscheidungen zum UN-Kaufrecht aus Bulgarien." In *Rudolf Meyer zum Abschied: Dialog Deutschland-Schweiz VII*, edited by Michael R. Will, 192–201. Geneva: Faculté de droit, Université de Genève, 1999. Accessed February 14, 2025. <http://cisgw3.law.pace.edu/>.

French Court of Cassation, Commercial Chamber. *Société X... v. Société LGDG*. Case no. 12-27188, May 27, 2014. Accessed February 14, 2025. <https://www.cisg.fr/>.

Garner, Bryan A. *Black's Law Dictionary*. 8th ed. St. Paul, MN: West Publishing Co., 2004.

Nazat, Bogdan. "Theoretical Aspects Regarding the Obligation as Provided by the Romanian Legislation and the Doctrine." *Challenges of the Knowledge Society* (Bucharest, 2015), 261.

"Original in German, unpublished. Published in French as *Journal du Droit International*, 1993, 1028–1037. Commented on by D. Hascher, *Journal du Droit International*, 1993, 1037–1040. Accessed February 10, 2025. <https://www.unilex.info/cisg/case/37>."

Woodward, Frederic C. "The Doctrine of Divisible Contracts." *The American Law Register (1898-1907)* 48, no. 1 (1900): 1–17. <https://doi.org/10.2307/3306759>.